

فاکتورهای سیاسی در بسترهای اقتصادی

جنبش قبل از توفان

ارزیابی آقای غلامرضا سلامی، رئیس شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران و عضو شورای سیاست‌گذاری ماهنامه «اقتصاد ایران»، از اثرات محیط سیاسی بر متغیرهای اقتصادی



با انصراف رئیس جمهور سابق از نامزدی ریاست جمهوری دهم و پذیرش آن از طرف آخرین نخست وزیر، زمزمه‌های مخالفان وضع موجود که با سعه صدر مسؤلان رده بالای نظام و متولیان امنیت کشور رویه‌رو گردید، تبدیل به جنبش بانشاطی شد که تاریخ ۵۰ ساله اخیر ایران آن را به یاد ندارد. موج عظیم طرفداران رقیب انتخاباتی تازه وارد در خیابان‌ها و مراکز گفت و شنود، به تدریج طرفداران رئیس جمهوری دوره نهم را نیز به خیابان‌ها و اینگونه مراکز کشاند و رسانه‌های گروهی جناحی و بی‌طرف نیز جولانگاه قلم فرسایی بر له و علیه نامزدهای انتخاباتی شدند. تعامل دمکراتیک طرفداران کاندیداهای ریاست جمهوری در خیابان‌ها، مجالس و محافل و حتی رسانه‌ها نوید انتخاباتی باشکوه و بی‌نظیر در تاریخ ایران را می‌داد و امید و نشاطی که در دل مردم به خصوص جوانان زبانه می‌کشید، آنچنان بود که برای اکثریت ملت این انتظار به وجود آمد که بالاخره پس از سی سال، انقلاب در مسیر اصلی تحقق کامل شعارهای اولیه آن یعنی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی قرار گرفته و نظام جمهوری اسلامی به تکامل دست یافته است.

حماسه حضور

هرچند پیش‌بینی می‌شد که با پیدایش چنین جنبشی و با برخوردی چنین دمکراتیک از طرف حکومت، حضور مردم در انتخابات، حضوری پرشور و کم نظیر باشد، ولی شاید برای خود مسؤلان نیز چنین استقبالی از انتخابات غیرمترقبه بود، به طوری که بسیاری از حوزه‌های رأی‌گیری در اواسط و بعضاً اوایل زمان مقرر با کمبود ورقه‌های رأی رویه‌رو شدند و اکثریت مردم مشتاق و به خصوص دختران و پسران جوان بانشاط بدون هرنوع درگیری و تق‌زدن‌های معمول ساعت‌ها و بعضاً در زیر آفتاب سوزان خرداد ماه در صف انتظار برای پر کردن ورقه رأی به سر بردند. هرچند احزاب رسمی کشور در این انتخابات نقش پررنگی نداشتند، ولی کاملاً مشخص بود که اکثریت جامعه به دو قطب مخالف و موافق وضع موجود تقسیم شده بودند که البته هیچ نشانه‌ای از این تقابل جدی در حوزه‌های رأی‌گیری به چشم نمی‌خورد و همه مردم مانند روزهای اول انقلاب با

شده است. باید توجه داشت که صرف کنترل اوضاع سیاسی و امنیتی منتج به جلوگیری از وخامت وضعیت اقتصادی نخواهد شد و به قول رییس اتاق ایران "اگر پیام لجاجت، عجله، تندی و عصبانیت در کشور بیرون نرود، به اقتصاد لطمات جبران ناپذیری وارد خواهد شد."

سؤال یک اصولگرایی دیگر است که "چرا یک سال تمام کار در کشور تعطیل شده است؟" شهردار تهران ادامه می‌دهد، از همین ایام در سال گذشته همه آماده انتخابات شدند و بعد از آن هم اعتراضات و تا به امروز یک سال است که کار کشور تعطیل است. چه کسی می‌خواهد این یک سال را جواب دهد؟ به راستی آیا لطمات اقتصادی ناشی از یک سال تعطیلی کارها در مملکت قابل اندازه‌گیری هستند؟ آیا وقفه در روند عادی فعالیت‌ها به همین یک سال محدود خواهد بود؟ پاسخ سؤال اول بسیار دشوار است، ولی در پاسخ سؤال دوم باید گفت تا زمانی که بین دو قطب موافق و مخالف جامعه نوعی تعامل دمکراتیک به وجود نیاید، پیامدهای ناگوار ناشی از وقفه در فعالیت‌ها و به خصوص سرمایه‌گذاری‌ها، روز به روز ابعاد گسترده‌تری پیدا خواهند کرد و تا بحران سیاسی به یک بحران فراگیر اقتصادی تبدیل شود و آنگاه به طور قطع و یقین راهکارهای مقابله با بحران سیاسی برای رفع بحران اقتصادی چاره‌ساز نخواهند بود.

کلیه‌های اقتصادی

گروهی از هموطنانی که مجدداً به رییس جمهور رأی دادند، از سیاست‌های اقتصادی وی پشتیبانی می‌کردند، اما طبیعتاً در یک جامعه مردم‌سالار نقدهای زیادی بر کارنامه اقتصادی دولت نهم صورت گرفت (که البته برخی از آنها در سال‌های قبل از ۸۴ نیز مشاهده شده‌اند)، از جمله:

- تمایل به مصرف‌گرایی در بخش اعظم درآمدهای بی‌سابقه نفتی
- افزایش لجام گسیخته نقدینگی و تورم مهلک ناشی از آن
- ایجاد مشکلات برای نظام بانکی و اعتبارات و مطالبات بانک‌ها در اثر سیاست‌گذاری‌های اشتباه تعیین نرخ بهره و دخالت در توزیع اعتبارات
- بی‌اثر ساختن سیاست‌های کلی و مترقی اصل ۴۴ قانون اساسی با اعطای شتابزده سهام عدالت و واگذاری‌های صورت گرفته به بخش شبه دولتی
- رشد نرخ بیکاری
- سیاست‌های اشتباه تثبیت نرخ ارز با وجود تورم ۴۰۰ درصدی طی ۱۰ سال اخیر
- کاهش توان رقابتی بنگاه‌های داخلی در مقابل

رفتاری ستایش برانگیز در کنار یکدیگر حماسه‌ای غرور آفرین از فرهنگ بالای ملت ایران را در معرض دید جهانیان قرار دادند.

توفان

با پایان زمان رأی‌گیری هر دو طرف بر این گمان بودند که برنده انتخابات هستند. در این میان انتظار مخالفان وضع موجود برای برنده شدن قوی‌تر به نظر می‌رسید، زیرا آنها اکثریت قریب به اتفاق ۱۲ میلیون نفر رأی‌دهنده جدید را از گروه مخالف می‌دانستند و اعتقاد داشتند که این گروه از مردم به دلیل ناخشنودی از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سال‌های اخیر در انتخابات شرکت نمی‌کردند و حال به امید به وجود آمدن تغییراتی که نوید آن از طرف آخرین نخست وزیر کشور داده شده بود، در این انتخابات شرکت کرده بودند. توفان زمانی آغاز گردید که این انتظار برآورده نشد و محمود احمدی‌نژاد با اختلافی زیاد و یکنواخت (در طول زمان شمارش آرا) از طرف وزارت کشور برنده انتخابات اعلام شد. علاوه بر آن اشتباهات برخی از طرفداران دولت، روز به روز بر دامنه این توفان افزود، به طوری که می‌رفت تا گردباد ناشی از توفان پیامدهای غیرقابل انتظاری را رقم زند.

پیامد بحران بر اقتصاد ایران

هرچند با تدبیر دلسوزان کشور، کنترل اوضاع و جلوگیری از پیامدهای وخیم سیاسی امکان‌پذیر به نظر می‌رسد، ولی پیامدهای اقتصادی توفان پس از انتخابات موضوعی است که کمتر به آن پرداخته

بناهای خارج از کشور در نتیجه تصمیم‌گیری‌های اشتباه در زمینه تعامل سازنده با کشورهای دیگر

- جذب سرمایه خارجی اندک، عدم رغبت سرمایه‌گذاران داخلی به سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت و مداخلات گسترده در سازوکار قیمت
- بی‌توجهی به تحقق اهداف قانون برنامه چهارم
- تثبیت قیمت حامل‌های انرژی و بعضی از کالاهای دیگر علی‌رغم وجود تورم بدون توجه به اثرات مخرب آن بر ساختار و توان تولیدی بنگاه‌های تأمین‌کننده این کالا

- تغییر جهت ناگهانی سیاست تثبیت قیمت‌ها و تصمیم‌گیری در تأمین ۴۰ هزار میلیارد تومان از بودجه سال ۸۹ از محل افزایش قیمت‌ها، به ویژه قیمت حامل‌های انرژی
- انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به عنوان یکی از مهمترین نهادهای نظارتی بر مصارف بودجه عمرانی و جابه‌جایی بودجه عمرانی برای تأمین کسری بودجه جاری.

چالش‌های پیش رو

پس از انتخابات نه تنها هیچ نشانه‌ای از توجه دولت دهم به انتقادهای اقتصادی به دولت نهم مشاهده نمی‌شود، بلکه به نظر می‌رسد به دلیل دل‌مشغولی اکثریت نمایندگان مجلس و مسؤولان نظام به بخش سیاسی و امنیتی پیامدهای انتخابات، نارسایی‌های اقتصادی ناشی از تصمیمات دولت بیشتر هم خواهند شد. برای مثال اگر به قانون هدفمند کردن یارانه‌ها که در اوج تلاطمات سیاسی به تصویب مجلس رسید توجه شود، سردرگمی ناشی از آن

کاملاً قابل مشاهده است. هنوز جوهر امضای ریاست مجلس بر این قانون خشک نشده است، اختلاف بر سر این که سال ۸۹ سال اول اجرای قانون است یا سال دوم آن و یا رقم قابل دریافت در سال ۸۹ معادل ۲۰ هزار میلیارد تومان است یا ۴۰ هزار میلیارد تومان - توجه شود که اختلاف موجود، نزدیک به ۲۰ درصد بودجه عمومی دولت است - بین مجلس و دولت بالا گرفته و این در حالی است که کل اختیار خرج این رقم هنگفت در اختیار دولت است. به قول محمدرضا باهنر، نایب رییس مجلس شورای اسلامی، مجلس در تصویب قانون هدفمند کردن یارانه‌ها آنقدر دست دولت را باز گذاشته است که هم می‌تواند به تمام ۷۳ میلیون جمعیت ایران یارانه بدهد و هم می‌تواند این یارانه‌ها را به دو میلیون نفر از مردم محدود کند. آیا این دست و دلبازی مجلس ناشی از پیامدهای پس از انتخابات نیست؟

مثال دیگر بررسی و تصویب بودجه در غیاب قانون برنامه (برنامه پنجم) در دقیقه ۹۰ است. بدون قانون برنامه قرار است بودجه کدام یک از هدف‌های سند چشم‌انداز ۲۰ ساله را محقق سازد؟ دیگر آن که در این فرصت اندک، چگونه مجلس می‌تواند وظیفه نظارتی خود را در فرآیند تصویب بودجه‌ای که به قول نماینده تهران (نادران) بر اساس بی‌انضباطی تدوین شده است، به انجام رساند.

از درآمدهای دولت در سال ۸۹ طبق لایحه بودجه ۱۱۱ هزار میلیارد تومان مستقیماً وابسته به نفت است که شامل ۲۷ هزار میلیارد تومان صادرات نفت، ۴۰ هزار میلیارد تومان افزایش قیمت یارانه‌های انرژی، ۱۳/۵ هزار میلیارد تومان برداشت از حساب صندوق توسعه ملی، ۱۰/۵ میلیارد تومان سود شرکت ملی نفت و ۹ هزار میلیارد تومان مالیات جاری و معوقه شرکت نفت و همچنین ۱۱ هزار میلیارد تومان رسوب در شرکت نفت می‌باشد. هر چند سهم



شرکت نفت در ظاهر مربوط به سرمایه‌گذاری در توسعه منابع نفتی است، ولی تجربه چند ساله اخیر نشان داده که بخشی از این رقم نیز برای مصارف دولت (خرید بنزین) در اختیار آن بوده است. ارقام فوق نشان می‌دهند که از ۱۵۲ هزار میلیارد تومان درآمد عمومی دولت - شامل کل رقم مربوط به افزایش قیمت حامل‌های انرژی - ۱۰۰ هزار میلیارد تومان آن (متجاوز از ۶۵ درصد) مستقیماً از برکت وجود نفت در کشور تأمین می‌شود و به طور قطع تحقق بسیاری از درآمدهای مالیاتی اعم از مستقیم و غیرمستقیم و سود شرکت‌های دولتی نیز بدون وجود چنین درآمد مستقیمی، امکان‌پذیر نمی‌باشد، بنابراین برخلاف نظر دولت، سهم درآمدهای نفتی در بودجه سال ۸۹ نه تنها کمتر نشده است، بلکه به مراتب بیشتر شده است.

در حالی که تمام دولت‌های بحران‌زده غرب از رکود بخش مسکن نگرانند و تمام سعی خود را در

روتق دوباره این بخش بکار گرفته‌اند، دولت نهم تمام تلاش خود را برای به رکود کشاندن این بخش بکار برد و دولت دهم نیز نه تنها تلاشی برای برون‌رفت از رکود موجود بکار نمی‌بندد، بلکه با ابراز خوشحالی از کاهش مستمر قیمت مسکن باز هم معتقد است که قیمت از این مقدار هم پایین‌تر بیاید. البته روشن است که تلاش دولت‌ها در ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا در نتیجه جلوگیری از نوسانات قیمت کالاها تحسین برانگیز است، ولی به نظر نمی‌رسد دولتی پیدا شود که خواستار کاهش قیمت‌ها به قیمت رکود اقتصادی باشد. رخداد چنین رکودی را از زبان رییس مرکز پژوهش‌های مجلس می‌توان دریافت. "با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در سال آینده رشد اقتصادی کشور اگر منفی نشود به صفر می‌رسد." به گفته ایشان و به روایت بانک مرکزی، رشد اقتصادی ایران در سال ۸۷ نه ۶/۹ درصد (ادعای دولت در نشست مطبوعاتی)، بلکه برابر با ۲/۳ درصد بوده است.

طبق اظهار توکلی رشد اقتصادی کشور در سال ۸۸ (براساس پیش‌بینی انجام شده) ۱/۵ تا ۲ درصد برآورد می‌شود. اگر این رشد با رشد اقتصادی مورد نظر سند چشم‌انداز و برنامه چهارم (۸ درصد در سال) مقایسه شود، آنگاه به عمق قضیه پی برده خواهد شد. آیا سیاستمداران ما قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری فرصت آن را داشته‌اند که دلایل کاهش شدید رشد اقتصادی را بررسی کنند؟ آیا میزان تأثیر مجادلات بین‌المللی بر وضعیت اقتصادی اندازه‌گیری شده است؟ آیا میزان تأثیر نگرانی سرمایه‌گذاران

داخلی و خارجی و عدم رغبت آنها به سرمایه‌گذاری بلند مدت در کشور در این بررسی جایی داشته است؟ آیا موج جدید مهاجرت نخبگان و سرمایه‌های انسانی که میلیاردها تومان صرف تربیت آنها شده، مورد توجه سیاستمداران واقع شده است؟ آیا تعطیلی کارها و فعالیت‌های ناشی از بحران سیاسی در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته است و ده‌ها سؤال دیگر از این دست. با توجه به این که طبق ادعای دولت، اقتصاد ایران هیچ‌گونه تأثیری از بحران جهانی نداشته است، لذا باید ادامه روند کاهش رشد اقتصادی را (علیرغم درآمدهای بالای نفتی) ناشی از چالش‌های سیاسی و به خصوص چالش‌های پس از انتخابات دوره دهم دانست. به عبارت دیگر متأسفانه مسؤولان نظام، اقتصاد را رها کرده و فقط به سیاست چسبیده‌اند. از قول رییس اتاق ایران می‌خواهیم "لطفاً سیاستمداران

ملاحظه اقتصاد کشور را داشته باشند." ■